



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Review of Legal Personality in Commercial Companies

Hanidreza Mos.hefi ^{*1},  Amirreza Mos.hefi ²

Received:

14 Feb 2025

Revised:

15 Mar 2025

Accepted:

18 Mar 2025

Available Online:

21 Mar 2025

Keywords:

Legal
Personality,
Commercial
Companies,
Company
Registration,
Company
Dissolution.

Abstract

Background and Aim: In all legal systems, legal personality is recognized for commercial companies. However, some commercial companies in Germany lack legal personality. Therefore, the aim of this research is to clarify Article 583 of the Iranian Commercial Code and examine the legal personality of commercial companies.

Materials and Methods: The research method in this article was descriptive-analytical.

Ethical Considerations All ethical principles have been followed in writing this article.

Findings: Article 583 of the Iranian Commercial Code explicitly states, “All commercial companies have legal personality, provided that they are formed in accordance with this law.” Therefore, commercial companies must be registered to acquire legal personality. In France, too, all commercial companies have legal personality, except for companies where the capital is owned by partners and the company is either hidden from third parties or, if they are aware of it, unregistered.

Conclusion: This research concludes that even if commercial companies are not registered, they still possess legal personality, and the dissolution of the company due to non-registration will be subject to the prosecutor’s request.

1* M.A, Department of Private Law, Robat Karim Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: hamidreza.moshefi@gmail.com Phone: +980000000000

2 M.A, Department of Private Law, Robat Karim Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Mos.hefi, HR & Mos.hefi, AR (2025). “Review of Legal Personality in Commercial Ccompanies”. *Interdisciplinary Legal Research*, 6 (1): 1-7.



بررسی شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری

حمیدرضا مصحفی^{۱*}، امیر رضا مصحفی^۲

۱. کارشناس ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد رباط کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: hamidreza.moshefi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد رباط کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: در همه سیستم‌های حقوقی، شخصیت حقوقی برای شرکت‌های تجاری مورد تأیید است. برخی شرکت‌های تجاری در کشور آلمان فاقد شخصیت حقوقی هستند. بنابراین، هدف از این پژوهش رفع ابهام از ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران و بررسی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی عمل شده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها: ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران به صراحت بیان کرده است «تمام شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند، مشروط براینکه مطابق این قانون تشکیل شده باشند» بنابراین، شرکت‌های تجاری باید به ثبت برسند تا دارای شخصیت حقوقی شوند. در کشور فرانسه نیز تمام شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند به جز شرکت‌هایی که سرمایه در مالکیت شرکا است و شرکت یا از دید اشخاص ثالث مخفی است یا اگر از آن آگاه هستند، ثبت نشده است.

نتیجه‌گیری: این پژوهش به این نتیجه رسیده است، حتی اگر شرکت‌های تجاری به ثبت هم نرسیده باشند همچنان دارای شخصیت حقوقی هستند و انحلال شرکت به دلیل عدم ثبت منوط به درخواست مدعی‌العموم خواهد بود.

کلمات کلیدی: شخصیت حقوقی، شرکت‌های تجاری، ثبت شرکت، انحلال شرکت.

مقدمه

طبق قانون تجارت ایران، اشخاص حقوقی همچون اشخاص حقیقی از کلیه حقوق، اختیارات، تعهدات و تکالیف بهره‌مند هستند، به‌جز مواردی که مختص ویژگی‌های انسانی است؛ مانند حق زوجیت، ابوت، بنوت و موارد مشابه. بر اساس ماده ۵۸۳ قانون تجارت، تمامی شرکت‌های تجاری ذکر شده در ماده ۲ این قانون دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. برای درک بهتر این مفهوم و هدف قانون‌گذار از اعطای چنین امتیازی به شرکت‌های تجاری، ابتدا باید مفهوم شخصیت حقوقی تبیین شود و سپس آثار قانونی این امتیاز مورد بررسی قرار گیرد. در تعریف شخصیت حقوقی، دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است؛ اما تمامی این تعاریف در یک اصل مشترک هستند: شخصیت حقوقی، امتیازی است که شرکت‌های تجاری را از شرکای خود متمایز کرده و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌طور مستقل از شرکا، حقوق و تکالیف مشخصی داشته باشند که به دنبال آن، آثار حقوقی جداگانه‌ای ایجاد شود. شخصیت حقوقی، ویژگی مشترک تمام شرکت‌های تجاری است؛ چه شرکت‌هایی که بر اساس قانون تجارت و با رعایت تشریفات مقرر شده در ماده ۲۰ قانون تجارت به ثبت رسیده‌اند، و چه شرکت‌های عملی که ثبت نشده‌اند و بر اساس ماده ۲۲۰ قانون تجارت، تضامنی محسوب می‌شوند. این ویژگی موجب می‌شود شرکت‌های تجاری به‌عنوان اشخاص مستقل در معاملات و روابط حقوقی وارد شوند و مسؤولیت‌ها و حقوق مجزایی نسبت به اعضای خود داشته باشند. (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳۵۲)

اشخاص حقوقی می‌توانند در قالب شخصیت حقوقی از مالکیت، انتفاع، تابعیت، اقامتگاه، حساب بانکی، عقود و معاملات نقل و انتقالات و سایر حقوق و تعهدات قانونی برخوردار شوند. در قرن جدید و معاصر، ایجاد شرکت‌ها، بانک‌ها، تجارتخانه‌ها، وزارتخانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، و سازمان‌های مختلف، اشخاص حقوقی را در جوامع متجلی ساخته است. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۶۳)

بنابراین، پیدایش واژه شخصیت حقوقی و کاربرد آن در قوانین تجاری ایران برای اولین بار، به قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ بر

می‌گردد که با ذکر ماده واحد و تسری تکالیف و تعهدات شخص حقیقی به شخص حقوقی، در ولع شخص حقوقی را به رسمیت شناخت و با تکرار موضوع ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ اشخاص حقوقی را در عرصه‌های مختلف استوار نمود. (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳۵۹)

۲- روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود.

بحث و نظر

این قسمت به مباحث تشکیل، کاربرد و انحلال شخصیت شرکت‌ها خواهیم پرداخت.

۱- مفهوم شخصیت حقوقی در قانون تجارت

شخصیت حقوقی مفهومی است که به موجب آن، یک نهاد حقوقی به‌طور مستقل از صاحبان خود شناخته می‌شود و به صورت جداگانه از حقوق و تعهدات خاص خود برخوردار است. شرکت‌ها و مؤسسات تجاری در اکثر کشورها به‌عنوان اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته می‌شوند و بر اساس قوانین و مقررات آن کشورها تأسیس و فعالیت می‌کنند. با این حال، در برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان، برخی از انواع شرکت‌های تجاری فاقد شخصیت حقوقی مستقل هستند و به همین دلیل به‌طور مستقیم تحت مسؤولیت شرکای خود قرار دارند. (رسائی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۱) در حالی که قانون تجارت ایران همانند قانون تجارت فرانسه، شرکت‌های تجاری را دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌داند که در ادامه به مزایا آن خواهیم پرداخت.

۲- زمان ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری

ماده ۵۸۳ قانون تجارت مقرر کرده است «تمام شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند، مشروط بر اینکه مطابق قانون تجارت تشکیل شده باشند»

بنابراین، مطابق قانون فوق زمانی شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند که به ثبت برسند، ثبت شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط غیر سهامی و با مسؤولیت محدود بر عهده مدیر یا مدیران است و ثبت شرکت‌های سهامی (عام و خاص) با مؤسسين خواهد بود. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۴۹-۵۱)

حقوق اشخاص ثالث می‌باشد و شرکا شرکت به دلیل تغییر شرکت در برابر طلبکاران شرکت قبل، از مسؤولیت شانه خالی نکنند. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۶۶)

تبدیل شرکت شرایطی دارد که به آن می‌پردازیم:

الف- در شرکت‌های سهامی تبدیل شرکت با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

ب- تبدیل شرکت اگر قرار باشد به مسؤولیت شرکا بیفزاید باید با رضایت همه شرکا باشد. برای مثال: در صورتی شرکت بامسؤولیت محدود می‌تواند تبدیل به شرکت تضامنی شود که تمام شرکا به آن رضایت دهند.

ج- شرکت در حال حیات باشد.

۳-۳- هر شرکت تجاری به دلیل داشتن شخصیت حقوقی دارای اقامتگاه هستند. شخصیت حقوقی، اقامتگاه هر شرکت را مشخص می‌کند. اقامتگاه شرکت معین می‌کند که شرکت تابعیت چه کشوری را دارد. در نظام حقوقی ایران، اقامتگاه اشخاص حقوقی به عنوان یکی از نتایج مهم شخصیت حقوقی شناخته می‌شود، اما قوانین مختلف، تعاریف متفاوتی برای این مفهوم ارائه کرده‌اند. بر اساس ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی، اقامتگاه شخص حقوقی در مرکز عملیات آن تعیین شده است. این در حالی است که مطابق ماده ۵۹۰ قانون تجارت، اقامتگاه شخص حقوقی به محل اداره امور (مدیریت) آن اشاره دارد. برخی حقوق دانان، برای رفع این تعارض ظاهری، استدلال کرده‌اند که به دلیل خاص بودن قانون تجارت و موضوع آن که شامل تجار اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی است، باید ماده ۵۹۰ قانون تجارت را بر ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی ترجیح داد. بر این اساس، محل استقرار مدیریت شرکت که در آن جلسات هیأت مدیره تشکیل می‌شود و هدایت امور شرکت در آن جریان دارد، اقامتگاه قانونی شخص حقوقی به شمار می‌آید. در شرکت‌های تجاری موضوع قانون تجارت و لایحه اصلاحی ۱۳۴۷، موسسان یا شرکا می‌توانند آزادانه مرکز اصلی شرکت و محل اداره را در شرکت نامه یا اساسنامه تعیین کنند. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۷۷) به عنوان نمونه، بند ۴ ماده ۸ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷

این در حالی است ماده ۲ قانون ثبت مقرر کرده است «ثبت شرکت‌های تجاری با مدیر یا مدیران خواهد بود و الا به جزا نقدی محکوم خواهند شد و در صورتی که مدعی‌العموم تقاضا انحلال شرکت را برای عدم ثبت بخواند شرکت منحل خواهد شد»

بنابراین، از ماده فوق چنین برداشت می‌شود، ممکن است مدعی‌العموم تقاضای انحلال شرکت را برای عدم ثبت نخواهد و شرکت تجاری بدون ثبت همچنان باقی بماند و دارای شخصیت حقوقی باشند. امری که امروزه در بسیاری از شرکت‌های تجاری دیده می‌شود.

اما شخصیت حقوقی در شرکت‌های سهامی، تعاونی و خارجی زمانی تشکیل می‌شوند که به ثبت برسند. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۵۵)

۳- کاربرد شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری

۳-۱- شخصیت حقوقی در شرکت، مانع از رجوع طلبکاران شرکت به شرکا می‌شود چراکه شخصیت حقوقی است داریی شرکت را از داریی شرکا مستقل می‌کند. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۶۵)

اما در مورد شرکت اشخاص اینگونه نخواهد بود. چراکه در شرکت تضامنی مسؤولیت شرکا فراتر از سرمایه شرکت است و در صورت عدم کفایت سرمایه شرکت، طلبکاران شرکت می‌توانند بعد از انحلال شرکت به شرکا مراجعه نمایند. در شرکت نسبی مسؤولیت شرکا به نسبت آورده خود می‌باشد به عبارت دیگر در صورتی که داریی شرکت برای طلبکاران شرکت کافی نباشد بعد از انحلال شرکت طلبکاران می‌توانند به نسبت آورده هر شریک به آنان رجوع نمایند. در شرکت مختلط غیر سهامی نیز، حق رجوع طلبکاران شرکت به شرکا تضامنی برای تمام مبلغ و شرکا با مسؤولیت محدود به میزان آورده محفوظ خواهد بود.

۳-۲- شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری سبب حفظ حقوق طلبکاران شرکت و اشخاص ثالث می‌شود. برای مثال: در بحث تبدیل شرکت تجاری، هر شرکت می‌تواند به شرکتی دیگر مبدل گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۸۶) بدون آنکه شخصیت حقوقی قبلی آن از بین برود. این کار برای حفظ

فعالان بازار نشان دهد و موجب تشخیص آسان آن توسط مشتریان گردد. (پاسبان، ۱۳۸۶: ۴۳۴-۴۳۳)

۴- مدیریت و نمایندگی شخصیت حقوقی

مدیریت یک شخص حقوقی به عهده مدیر یا هیأت‌مدیره است که معمولاً توسط شرکا یا سهامداران بر اساس قوانین و شرایط مشخص در اساسنامه شرکت‌های تجاری تعیین می‌شوند. به این ترتیب، در چارچوب اختیارات واگذار شده به مدیران یا مدیرعاملی که به‌عنوان نماینده شرکت از سوی هیأت‌مدیره در شرکت‌های سهامی منصوب می‌شود و اختیارات امضا را نیز دارد، وظایف شرکت از جمله انجام تعهدات و انعقاد قراردادهای انجام می‌پذیرد. (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳۴۵)

وجود شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت‌های تجاری به این معناست که مسؤولیت‌های مدنی و کیفری آن‌ها باید جدا از مسؤولیت‌های شرکا یا اعضای آن‌ها ارزیابی شود. به این ترتیب، تمامی تعهدات و مسؤولیت‌ها تنها متوجه خود شخص حقوقی است و ارتباطی به افراد حقیقی آن ندارد، مگر در مورد شرکت‌های تضامنی که طبق اساسنامه و قانون تجارت، شرکا مسؤولیت‌های حقوقی و قانونی شرکت را به‌طور مشترک بر عهده دارند. همچنین می‌توان به مسؤولیت تضامنی فرد حقیقی که چک صادر می‌کند و شخص حقوقی صاحب حساب اشاره نمود، بر اساس ماده ۱۹ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و مسؤولیت کیفری صادرکننده چک. همچنین، طبق ماده ۵ مکرر قانون جدید صدور چک مصوب ۱۳۹۷، محدودیت‌های مربوط به سوء اثر چک تا زمانی که مشکل رفع نشود، برای صادرکننده و صاحب حساب ادامه خواهد داشت. با توجه به اینکه قانون تجارت مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در نظر نگرفته است، مسؤولیت کیفری آن‌ها به‌طور مستقیم به افراد حقیقی سازنده آن‌ها به ویژه کسانی که به‌طور مشخص جرم را مرتکب شده‌اند، مرتبط می‌شود. این در حالی است که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌کند: «اصل مسؤولیت کیفری متوجه شخص حقیقی است و تنها زمانی شخص حقوقی مسؤولیت کیفری دارد که نماینده قانونی آن، مانند مدیرعامل، به‌نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود.» این مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسؤولیت افراد

مقرر می‌دارد که مرکز اصلی شرکت‌های سهامی باید در اساسنامه تصریح شود. تغییر این مرکز، چنانچه منجر به تغییر تابعیت نشود، صرفاً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است و باید با رعایت حد نصاب‌های مقرر در ماده ۸۳ همان لایحه انجام شود. همچنین، تابعیت شرکت که بر اساس اقامتگاه تعیین می‌گردد، به دلیل استقلال شخصیت حقوقی شرکت، قابل تغییر توسط هیچ مجمعی نیست. تعیین اقامتگاه شرکت‌های تجاری، آثار حقوقی متعددی دارد؛ از جمله این که محل دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی علیه شرکت یا شعبه آن مشخص می‌شود. طبق ماده ۸ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ و قوانین مشابه مانند مواد ۳ و ۴ قانون ثبت شرکت‌ها، شعب شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل یا دارایی مجزا نیستند و تنها نشانی آن‌ها با نشانی اصلی شرکت تفاوت دارد، این موضوع در زمان اقامه دعوی علیه شرکت یا شعبه آن اهمیت پیدا می‌کند. بر اساس قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه باید در دادگاه محل استقرار همان شعبه مطرح شود، مگر این که شعبه منحل شده باشد که در این صورت دعوی در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌گردد. همچنین، دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی اقامه می‌شود که تعهد در آن واقع شده یا کالا باید تسلیم یا وجه پرداخت شود. (عرفانی، ۱۳۷۷: ۱۹۷-۱۹۸)

۴-۳- یکی از مهم‌ترین پیامدهای داشتن شخصیت حقوقی برای شرکت‌های تجاری این است که همانند اشخاص حقیقی، باید نامی مستقل داشته باشند تا بتوانند در حوزه تجارت شناسایی شده و فعالیت کنند. بر این اساس، شرکت‌های تجاری موظف‌اند علاوه بر ثبت نام خود در دفتر ثبت تجاری به موجب ماده ۱۶ قانون تجارت، با رعایت مقررات ویژه هر نوع شرکت، نام خود را در اداره ثبت شرکت‌ها نیز به ثبت برسانند. نام انتخابی باید به گونه‌ای باشد که نوع شرکت را مشخص کرده و به روشنی بیانگر ماهیت سهامی، تضامنی، نسبی یا مسؤولیت محدود بودن آن باشد. همچنین، داشتن نام تجاری و علامت تجاری به‌عنوان یکی دیگر از نتایج شخصیت حقوقی محسوب می‌شود که از نام شرکت تجاری متمایز است. این علامت تجاری باید در قالبی باشد که وجه تمایز شرکت را از سایر

حقیقی مرتکب جرم نمی‌شود و در مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ همین قانون مجازات‌ها و انواع مجازات‌های اشخاص حقوقی تعیین گردیده است. (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳۵۱-۳۴۹)

۵- انحلال شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجاری

تا پایان امر تصفیه شرکت همچنان دارای شخصیت حقوقی می‌باشد. این درحالی است انسان به محض فوت فاقد شخصیت (فاقد حقوق و تکالیف) می‌شود، شرکت پس از انحلال شخصیت حقوقی خود را از دست نمی‌دهد. شخصیت شرکت به دلیل باقی می‌ماند، برخلاف انسان دارایی شرکت پس از انحلال به شخص دیگری منتقل نمی‌شود. بلکه میان شرکا شرکت که مالک واقعی آن هستند، تقسیم می‌گردد. از آنجا که لازم است دارایی شرکت در زمان تصفیه باقی باشد، شرکت باید دارای شخصیت حقوقی بماند. (اسکینی، ۱۳۹۸: ۶۱)

ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ «تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود، مدیران تصفیه انجام خواهند داد»

بنابراین، مدیران تصفیه تا زمانی که شرکت در حال تصفیه است نمی‌توانند به نام شرکت معاملاتی را انجام دهند مگر اینکه معاملات برای امر تصفیه ضروری و لازم باشد.

۵-۱- انحلال شرکت سهامی

مانند هر شخص حقوقی دیگر شرکت‌های سهامی به پایان فعالیت و عمر خود می‌رسند. اما تا پایان عملیات تصفیه شخصیت حقوقی شرکت حفظ می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۷۹)

ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷ موارد انحلال شرکت‌های سهامی را در ۵ مورد زیر بیان می‌کند:

- وقتی شرکت برای موضوع خاصی تشکیل شود و انجام آن غیر ممکن شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۷۸)

- مدت معین و مشخصی برای شرکت تعیین گردد و آن مدت منقضی شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۸۰)

- ورشکستگی، چراکه یکی از روش‌های انحلال و نوع قهری می‌باشد.

- صاحبان سهام به هر علتی خواستار انحلال شرکت شوند که این امر با مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود (اسکینی، ۱۳۹۸: ۷۸)

- صدور حکم قطعی مراجع قضایی صالح

۵-۲- انحلال شرکت با مسئولیت محدود

در خصوص پایان شخصیت حقوقی شرکت با مسئولیت محدود قانون‌گذار سکوت کرده است. اما در این شرکت نیز، شخصیت حقوقی تا پایان امر تصفیه پابرجا خواهد بود.

۵-۳- انحلال شرکت‌های تضامنی و نسبی

مانند هر شخص حقوقی دیگر شرکت‌ها، تضامنی و نسبی به پایان عمر و فعالیت خود می‌رسند (رسائی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۶) اما شخصیت حقوقی تا پایان امر تصفیه حفظ می‌شود.

موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی به شرح ذیل خواهد بود:

- در صورت رضایت همه شرکا

- در موردی که یکی از شرکا شرکت با دلیلی موجه تقاضای انحلال شرکت را از دادگاه خواستار شود و دادگاه دلائل شخص را موجه بداند و حکم به انحلال شرکت دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۰۰)

- در صورتی که یکی از شرکا قرارداد شرکت را فسخ نماید.

- در صورتی که یکی از شرکا ورشکسته شود و مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور ۶ ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. (صفار، ۱۳۷۷: ۲۰۰)

- در صورت فوت یا حجر یکی از شرکا، چراکه شرکت تضامنی و نسبی جزء شرکت اشخاص می‌باشند و شخصیت شرکا علت عمده تشکیل و انعقاد قرارداد شرکت است. اما ماده ۱۳۹ قانون تجارت بیان کرده است «در صورت فوت یا حجر یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف بر رضایت سایر شرکاء قائم مقام متوفی خواهد» بنابراین، قائم مقام متوفی تا ۱ ماه فرصت دارد رضایت خود بر بقاء شرکت را به‌طور کتبی بیان نماید. سکوت تا پایان مهلت بیانگر رضایت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

همه شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند. چراکه شخصیت حقوقی سبب حفظ حقوق اشخاص ثالث، مانع رجوع طلبکاران شرکت به شرکا و تعیین اقامتگاه شرکت می‌شوند. ماده ۵۸۳ قانون تجارت مقرر کرده است «تمام شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند، مشروط براینکه مطابق این قانون تشکیل شده باشند». یعنی شرکت‌های تجاری باید به ثبت برسند تا دارای شخصیت حقوقی شوند این درحالی است که ماده ۲ قانون ثبت به صراحت بیان کرده است «ثبت شرکت‌های تجاری با مدیران است و الا به جزای نقدی محکوم می‌شوند و در صورتی که مدعی‌العموم تقاضای انحلال شرکت را برای عدم ثبت بخواهد شرکت منحل خواهد شد». بنابراین، دارا بودن شخصیت حقوقی منوط به ثبت شرکت‌های تجاری نمی‌باشد. چرا که ممکن است مدعی‌العموم تقاضای انحلال شرکت را برای عدم ثبت نخواهد و شرکت به ثبت نرسیده دارای شخصیت حقوقی باشد. اما نکته حائز اهمیت این است، شرکت‌های سهامی، تعاونی و خارجی در صورتی دارای شخصیت حقوقی خواهند بود که توسط مدیران و مؤسسين به ثبت برسند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۸). حقوق تجارت شرکت‌های تجاری. جلد اول و دوم، تهران: سمت.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۶). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- رسائی نیا، ناصر (۱۳۸۶). کلیات حقوق بازرگانی تجارت. چاپ هشتم، تهران: انتشارات دریچه.
- صفار، محمدجواد (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی. تهران: نشر دانا.
- عرفانی، محمود (۱۳۷۷). حقوق تجارت (شرکت‌های سهامی عام و خاص). چاپ هشتم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.